



خطبه اول:

سلام عليكم جميعاً و رحمة الله و بركاته، اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم اله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين الصلوة و السلام على سيد النبيين حبيب اله العالمين ابالقاسم المصطفى محمد (ص) و على عترته و اهل بيته اجمعين قال الحكيم فى كتابه الكريم بسم الله الرحمن الرحيم « يا ايها الذين ءامنوا اتقوا الله و ءامنوا برسوله يؤتكم كفلين من رحمته و يجعل لكم نوراً تمشون به و يغفر لكم والله غفورٌ رحيم» اميدوارم خدای رحمان در اين مظنه استجابت همه ما را مشمول مغفرت خود قرار بدهد. دعاهايما را مستجاب بگرداند. بيماران را شفای عاجل، گذشتگان را قرين رحمت بگرداند. به برکت صلوات بر محمد و آل محمد.

درباره اين آيه شريفه هفته قبل مقداری صحبت شد و وعده کرده بودم شأن نزول اين آيه را امروز تقديم محضر شما نمازگزاران داشته باشم. ترجمه آيه را التفات كنيم تا به تناسبش به شأن نزول برسيم.

شاید عزیزانی هفته قبل حضور نداشتن. «یاایها الذین ءامنوا» ای کسانی که ایمان آورده‌اید «اتَّقُوا اللَّهَ» خدا را شرم کنید، خدا را ملاحظه کنید. به همه مومنین و همه کسانی که ایمان آوردند، مخاطب عامه مردم نیستند، بلکه مخاطب مومنین هستند. «و ءامنوا برسوله» برآستی به رسول ایمان بیاورید. یعنی از رسول اطاعت کنید. باید ر هر عصری و در هر زمانی در جامعه حاکمیت دین خدا را کسی مدیریت کند. مدیریت در روزگار پیغمبر با خودش بوده و در روزگار بعد از پیغمبر با امامان معصوم بوده و در عصر غیبت ولی الله الاعظم مدیریت جریان الهی و حاکمیت دین خدا با فقیه عادل است. « یؤتکم کفلین من رحمته » به شما داده خواهد شد دو نصیب و بهره کارساز از رحمت الهی، حالا این دو بهره یکی در دنیا و دیگری در آخرت و یا اینکه این دو بهره نعمت های مادی و معنوی و هرچه که هست دو نصیب و دو بهره از رحمت الهی. «و یجعل لکم نوراً» نورانیتی پیدا می کنید. هم در مسیر زندگی راه را خوب می یابید و هم گرفتار ابهامات و شک و تردید و فضای تاریک نمی شوید. «و یجعل لکم نوراً تمشون به» در سایه نور حرکت کنید. «مشی» یعنی حرکت. «و یغفر لکم والله غفورٌ رحیم» و خواهد آمرزید شما را و خداوند آمرزنده و مهربان است.

شأن نزولش را عموم مفسرین نوشتند که در سال پنجم هجرت که جعفر بن ابی طالب با اشاره پیغمبر خدا و همراهی هفتاد نفر که چند نفر از آنها هم زنه‌های مؤمنه بودند که بهمراه همسرانشان از مکه حرکت کردند به سمت حبشه. در آن ایام پادشاه حبشه نجاشی بود. در شرایطی که در مکه خود پیغمبر و مؤمنین سخت در فشار بودند مع ذلک در سایه آن فشار و آن خفقان رسول خدا از گسترش اسلام مأیوس نبود. با این حرکت هم عده ای از مومنین از شر کفار مکه نجات پیدا می کنند و از سوی دیگر پیام رسانی اسلام و قرآن را برای ملکت حبشه داشته باشند. آن وقت جعفر بن ابی طالب (جعفر طیّار) برادر امیرالمؤمنین سخنگوی آن جمع بود، در حضور نجاشی سوره مریم را تلاوت کرد، نجاشی از تخت فرود آمد و گفت شرم دارم و خجالت می کشم در برابر این آیات الهی من روی تخت بنشینم. نجاشی به پیغمبر ایمان آورد و اجازه داد که مردم مملکت او به پیغمبر اسلام ایمان بیاورند. موقعی که جعفر برمی گشت چهل نفر از خود اهل حبشه بهمراه جعفر آمدند. البته مدت توقف

جعفر در سرزمین حبشه قریب به پانزده سال طول کشید. کار فرهنگی و علمی و تربیتی کرد بخاطر اینکه اصل هجرت آن‌ها در سال پنجم بعثت اتفاق افتاد. بعد از هجرت آن‌ها، پیغمبر هشت سال در مکه ماند و در سال سیزدهم بعثت پیامبر از مکه در آمد و جعفر وقتی غاز حبشه به مدینه برگشت سال هفتم هجرت بود، بنابراین قریب به پانزده سال زمان برد. چهل نفر با او به مدینه بای زیارت پیغمبر آمدند، اوضاع مردم مدینه را دیدند که در معیشت و اقتصاد مشکل دارند. گفتند یا رسول الله اجازه بده ما برمی گردیم در مملکت خود آنچه از اموال و دارایی داریم همه را به اینجا می آوریم با مسلمانها تقسیم هم می کنیم. رفتند و آوردند و همین کار را هم کردند. آیه ای نازل شده بود در قرآن در سوره قصص راجع به آن قضیه «الذین ءاتیناهم الكتاب» آنهاایی را که قبل از قرآن به آنها کتاب دادیم (انجیل) «هم به یؤمنون» آنها ایمان آورده بودند «و اذا یتلی علیهم قالوا ءامنا به» حالا که قرآن بر آنها خوانده می شود به آن ایمان آوردند و می گویند که «انّ الحقّ من ربّنا» در نهایت ذیل آیه می فرماید «اولئک یؤتون اجرهم مرتّین» اینها کسانی هستند که دو تا اجر بزرگ در پیشگاه خداوند دارند، اجر اول ایمان به عیسی نبی (ع) و اجر دوم ایمان به خاتم انبیاء محمد (ص) است. بعد از نازل شدن این آیه آنهایی که اهل کتاب بودند ولی مسلمان نشدند شروع کردن به اغوی و وسوسه و می گفتند مسلمانهایی که به خود این پیغمبر ایمان آوردند اینها یک اجر دارند اما اهل کتاب که به پیغمبران قبلی ایمان داشتند و به این پیغمبر ایمان آوردند دو تا اجر پیدا می کنند. آنهایی که ایمان نیاوردند می گفتند ما که به پیغمبر آخر الزمان ایمان آوردیم همان یک اجر را داریم، مسلمانها چیزی از ما اضافه ندارند، آنها یک اجر دارند ما هم یک اجر داریم. نکته را گرفتید که چیست؟ آن دست هاز مسیحیّونی که آمدند به پیغمبر ایمان آوردند و اموالشان را با مسلمانها تقسیم و کمک کردند تا تقویت اسلام شود؛ درباره آنها این آیه نازل شد که «یؤتون اجرهم مرتّین» این آیه در سوره مبارکه قصص قرآن است. حالا متقابلاً آن یهئیهای خبیثی که به پیغمبر ما ایمان نیاورده بودند می گفتند مسلمانان چیزی بر ما اضافه ندارند، آنها هم به یک پیغمبر ایمان آوردند و ما هم به یک پیغمبر ایمان آوردیم، بله آنهاایی که اهل کتاب بودند به این پیغمبر ایمان آوردند و دو اجر دارند خب داشته باشند

ولی مسلمانها چیزی بر ما اضافه ندارند و حالا این آیه نازل شد «یا ایها الذین ءامنوا» ای مومنین نگران نباشیدف شما هم با صداقت و به راستی به پیغمبر ایمان بیاورید و اطاعت کنید. «یؤتکم کفلین من رحمته» شما دو نصیب بزرگ و بهره ای که کار و حال شما را کفایت بکند از رحمت الهی به شما داده می شود. «یجعل لکم نوراً تمشون به» برای شما نوری قرار داده می شود که در سایه نور مشی کنید. علاوه بر آنکه آنان دو اجر داشتند و شما هم «کفلین من رحمته» دارید، علاوه بر این هم «یجعل لکم نوراً» نورانیتی که برای شما هست به آن اهل کتاب پیشین وعده نشد «و یغفر لکم» آمرزشی که برای شما خواهد بود. حالا این جعفر بن ابی طالب، سخنگوی جمع مسلمانان که در محضر نجاشی پادشاه حبشه بود یک روایتی را عرض کنم و خطبه اول را به پایان می برم. نقل است که رسول خدا به جعفر بن ابی طالب فرمود: شما در سیرت و صورت شبیه من هستی، از آقا امام باقر نقل شد که روزی جبرئیل به رسول خدا فرمود: خداوند می فرماید در جعفر چهار خصلت وجود دارد که سزاوار تقدیر و ستایش و تمجید است. قبل از بعثت پیغمبر این خصلت ها در وجود جعفر بود. در اسلام بعضی از احکام امضایی است یعنی یک شیوه ای را برخی از مؤمنین داشتند و اسلام هم پذیرفت و خوبها را می پذیرفت و بدیها را رد می کرد. جبرئیل به پیغمبر گفت که از خود جعفر آن چهار خصلت را بپرس. رسول خدا از جعفر پرسید از این خصلت های ویژه ای که خدا خوشش آمده است، جعفر گفت: یا رسول الله اگر جبرئیل به شما نگفته بود و اگر شما نپرسیده بودید من پیش کسی ابراز نمی کردم که این ویژگیها را دارم. یعنی خودستایی نمی کردم، حالا که شما سوال میکنید به شما عرض می کنم. اولش این است که من قبل از بعثت شما هم هرگز بت را نپرستیدم و به تشخیص خودم می فهمیدم که این بت نفع و ضرری برای ما ندارد، این بت ساخته دست آدمهاست باید این زمین و آسمان را خالق پروردگاری باشد، من منتظر فهم و درک حقایق عالم بودم که خدا بر ما منت نهاد و شما را مبعوث به رسالت کرد و ما را هدایت نمودید، من هرگز بت پرستی نکردم. دوم اینکه هرگز شراب نخوردم برای اینکه می دیدم عقلی که مایه و مظهر ارزش و شخصیت انسان است درجه اعتبار و ارزش انسان درجه عقل انسان است، شراب هم چیزی است که عقل را ضایع می سازد،

من شراب نمی‌خوردم و هرگز نخوردم. سوم اینکه هرگز بدنبال تجاوز به ناموس دیگری نبودم برای اینکه بر این باور بودم من اگر به ناموس دیگری تعدی کنم ممکن است دیگری به نوامیس من تعدی کند. چهارم اینکه هرگز در عرم دروغ نگفتم. دروغ ذهن‌ها را خیلی خراب می‌کند و خیلی عداوت‌ها و دشمنی‌ها را تشدید می‌کند و فتنه پیاپی می‌کند.

آقا رادیوی آمریکا گفته... خوب گفته مگر رادیو آمریکا بنا دارد همیشه راست بگوید؟ آنها برای اینکه اذهان عمومی جامعه را خراب کنند یک دروغ یا تهمتی را علیه یک مسئولی می‌سازند. حالا یک وقتی در سطح کلان کشوری گاهی هم در سطح کوچکتر شهرستانی. اگر از یک مسئولی یا هر شخصیتی آدم انتقاد کرد اگر جوانمردی داشته باشد و پاسخ درستی داشته باشد خوب می‌آید پاسخ می‌دهد اگر پاسخ ندارد جوانمردی اقتضای می‌کند عذر خواهی کند اما بعضاً می‌بیند که نه اگر از یک کسی راجع به یک روشی یا کاری انتقاد بکنی به جای پاسخگویی یا به جای اصلاح امور می‌رود به دنبال شایعه پراکنی. با آن که همه وظیفه داریم کارهای همدیگر را حمل بر صحت کنیم و هیچگاه بر اساس ظن و گمان واهی حرف نزنیم، حرف زدن مسئولیت‌های سنگینی دارد. جعفر که پیش خدا عزیز شد قبل از شهادتش پیغمبر به او فرمود جعفر امیدوارم خداوند دو بال به تو عطا کند که در فضای بهشت پرواز داشته باشی و موقع شهادتش هم همین اتفاق افتاد که دو دستش را قطع کردند، رسول خدا فرمود خدای رحمان به جعفر دو بال داد. حالا جعفر می‌گوید من در زندگی دروغ نگفتم. در آن لحظه پیغمبر دست به شانه او زده بود و آن جمله را تکرار کرد که ان شاء الله خداوند دو بال به تو عطا کند و در فضای رحمت الهی پرواز داشته باشی با این ویژگی‌ها و خصلتی که تو داری، خدمت بزرگی هم کرد، هم کار فرهنگی در حبشه و اثرش مسلمانی مردم حبشه شد و هم در برگشت در جنگ موته با رشادت کامل تا مرز شهادت پیش رفته بود. امیدواریم که خدای رحمان در مسیر عبودیت و بندگی همه ما را موفق بدارد، تقوا و پرهیز از گناه و انجام واجبات سر لوحه کار ما باشد تا خدای رحمان وسیله نجات ما را فراهم بگرداند.

{ بسم الله الرحمن الرحيم ؛ قل هو الله احد ؛ الله الصمد؛ لم يلد و لم يولد؛ و لم يكن له كفواً احد
؛ صدق الله العلي العظيم } {

پایان خطبه اول //

خطبه دوم:

اللهم صلّ على محمد و آل محمد ؛ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ الصَّلَاةِ وَالسَّلَامِ
على سَیِّدِ النَّبِیِّیْنَ حَبِیْبِ اِلٰهِ الْعَالَمِیْنَ اَبِی الْقَاسِمِ الْمُصْطَفٰی مُحَمَّدٍ و عَلٰی عَلِیِّ امِیْرِ الْمُؤْمِنِیْنَ و عَلِیِّ
الصِّدِّیْقَةِ الطَّاهِرَةِ سَیِّدَةِ نَسَاِ الْعَالَمِیْنَ و على الحسن والحسین سَیِّدِی الشَّبَابِ اَهْلِ الْجَنَّةِ اَجْمَعِیْنَ و
على على بنِ الحسین و محمد بنِ علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و
محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و الحجة القائم المنتظر . اللّٰهُمَّ كُنْ لِوَلِیِّكَ الْحُجَّهِ بْنِ
الْحَسَنِ صَلَواتِكَ عَلَیْهِ و عَلَیْ اَبائِهِ فِی هَذِهِ السَّاعَةِ و فِی كُلِّ سَاعَةٍ و لَیْلًا و حَافِظًا و قَائِدًا و نَاصِرًا
وَدَلِیْلًا و عَیْنًا حَتّٰی تُسْكِنَهُ اَرْضَكَ طَوْعًا و تُتَمِّعَهُ فِیْهَا طَوِیْلًا

...صلوات

پروردگارا در این مظنه ی استجابت دعا ، به مقربین درگاهت سوگندت می دهیم دعاهایمان را
مستجاب بگردان . پروردگارا ، می خواهیم تو را بنده باشیم و بندگی پیشه کنیم ؛ در مسیر بندگی
یاری مان بفرما. در ترک گناه و انجام واجبات مصممیم ؛ خدایا عزممان را استوار بدار. مجدداً خودم و
همه ی شما برادران و خواهران را بر همین اصل مبارک تقوا ، پرهیز از گناه و انجام واجبات تأکید دارم.
مناسبت هایی وجود دارد که به اجمال عرض میکنم . یکی از مومنین سوالی داده بود که آقا اباعبدالله
الحسین روز دهم محرم به شهادت رسید ، علی اقاعده باید عزاداری بعد از دهم ، بعد از عاشورا آغاز
بشود مثلاً ؛ ولی ما چرا از اول محرم تا دهه ، یا حد اکثر تا دوازدهم برگزار میکنیم؟ ؛ گفتم باشد این

پاسخ را در خطبه ی نماز جمعه عرض میکنم. از آقا امام رضا «س» در همین کتاب عیون اخبار الرضا ، در یک روایت معتبر نقل است که می فرماید: « إِنَّ الْمُحَرَّمَ شَهْرٌ كَانَ أَهْلُ الْجَاهِلِيَّةِ يُحْرَمُونَ فِيهِ الْقِتَالَ مُحْرَمَ مَاهِي بُوَدَ كَهْ اَهْلِ جَاهِلِيَّتِ احْتِرَامِ اَنْ مَاهِ رَا نِگَاهِ مِي دَاشْتَنَدَ ، وَ جَنگِ دَرِ مُحْرَمِ رَا حِرَامِ مِي دَانَسْتَنَدَ وَ اَگَرِ جَنگِی دَاشْتَنَدَ وَ مُحْرَمِ مِي رَسِيدِ شَمشِيرِ رَا كِنَارِ مِي گِذَاشْتَنَدَ ، « فَاسْتُحِلَّتْ فِيهِ دِمَاؤُنَا » اَمَا دِشْمَانِ مَاهِ دَرِ مُحْرَمِ رِيخْتَنِ خُونِ مَاهِ رَا حِلَالِ شَمْرَدَنَدَ وَ هَتَكِ حِرْمَتِ مَاهِ رَا رَوَا دِشْتَانَدَ وَ بَهْ اَسَارَتِ بَرَدَنِ ذَرِيهِي مَاهِ رَا رَوَا دَاشْتَنَدَ. « وَ اُضْرِمَتِ النَّيْرَانُ فِي مَضَارِينَا » دَرِ خِيْمَه هَايِ مَاهِ اَتَشِ افْرُوخْتَنَدَ ، « وَ اَنْتَهَبَ مَا فِيهَا مِنْ ثِقَلِنَا » هَرِ چَه دَرِ خِيْمَه بُوَدَ بَه غَارَتِ بَرَدَنَدَ ؛ « وَ لَمْ تَرَغْ لِرَسُولِ اللّٰهِ صِ حُرْمَةً » رِعَايَتِ نَكْرَدَنَدَ وَ بَرَايِ رَسُوْلِ اَللّٰهِ حِرْمَتِي نَكِذَاشْتَنَدَ ؛ « اِنَّ يَوْمَ الْحُسَيْنِ اَفْرَحَ جُفُونَنَا » رُوْزِ اَبَا عِبْدِ اللّٰهِ پَلَكِ چِشْمِ مَاهِ رَا زَخِي سَاخْت ، « وَ اَسْبَلَ دُمُوْعَنَا » بَرَايِ اَنَكِه اَنْقَدَرِ اَشْكَمَانَ سِرَازِيرِ شَد .

وَ اَدَّلَ عَزِيْزَنَا ؛ عَزِيْزِ مَاهِ رَا بَه ظَاهَرِ بَه ذَلَّتِ كِشَانَدَنَد . « بِاَرْضِ كَرْبٍ وَ الْبَلَاءِ » . بَعْدِ مِي فِرْمَايَدِ كِه : « فَلَيْلِكَ الْبَاكُوْنَ » بَرِ حُسَيْنِ بِنِ عَلِي ، سَزَاوَارِ اسْتِ گَرِيَسْتَن . رَوَايَتِ طَوْلَانِي اسْت ، تَا مِي رَسِيْدَ : « كَانَ اَبِي صِ اِذَا دَخَلَ شَهْرَ الْمُحَرَّمَ لَا يُرِي ضَاحِكًا » پَدْرَمِ مُوسَى بِنِ جَعْفَرِ ، وَ قَتِي كِه مَاهِ مُحْرَمِ اَعْزَاذِ مِي شَدَ وَ هَلَالِ مُحْرَمِ پِيْدَا مِي شَدَ ، كَسِي اَوْ رَا خَنْدَانِ دِيگَرِ نَمِي دِيْدِ ؛ اَثَارِ حَزْنِ وَ اَنْدَوَه اَزِ اَوَّلِ مُحْرَمِ دَاشْت . پَسِ مُومِنِيْنِ هَمِ اَگَرِ اَزِ اَوَّلِ مُحْرَمِ عَزَادَارِي مِي كِنْدَنَ وَ حَزْنِ وَ اَنْدَوَه پِيْدَا مِي كِنْدَنَ وَ سَرِ مِي زَنَدَنَ وَ سِيْنَه مِي زَنَدَنَ ، رِي شَه اش اَزِ اَيْنِجَاهَا اسْت . « وَ كَانَتْ كَا بَةٌ تَعْلُبُ عَلَيْهِ حَتَّى يَمْضِي مِنْهُ عَشْرَةُ اَيَّامٍ » نَارَا حْتِي وَ اَنْدَوَه شَدْتِ پِيْدَا مِي كَرْدَ رَفْتَه رَفْتَه بَرِ پَدْرَمِ ، تَا اَيْنِ دَه رُوْزِ بَكِذَرْدَ بَرِ اَوْ . اَقَا اَبَا عِبْدِ اللّٰهِ نِيَازِي بَه عَزَادَارِي مَاهِ نَدَارَدَ ، مَاهِ نِيَازِ دَارِيْمِ بَرَايِ شَنَاخْتَنِ اَنْ چِشْمَه ي جُو شَانِ فَيْضِ ، كِه بَشْنَا سِيْمِ وَ بَهْرَه بَكِيْرِيْمِ . دُو تَا دِسْتَه دَرِ كَرِيْلَا مَقَابِلِ هَمِ اِي سْتَادَنَدَ ، وَ هَرِي كِ بَه مَعَادِ خُوْدِ پِيُو سْتَنَدَ ؛ مَعَادِ يَكِي جَهَنَمِ ، وَ مَعَادِ يَكِي هَمِ بَهْشْتِ . اَمَا جَرِيَانِ اِدَامَه دَارَدَ دَرِ طَوَّلِ تَارِيخِ . اَنْ دُو دِسْتَه رَفْتَنَدَ ، وَ لِي دُو جَرِيَانِ اِدَامَه دَارَدَ . دَرُوْدِ خُدا بَه هَمِه ي اَهْلِ اِيْمَانِ وَ عَزَادَارَانِ مَخْلَصِ كِه جَرِيَانِ اَقَا اَبَا عِبْدِ اللّٰهِ رَا نَمَايَنْدِ گِي مِي كِنْدَنَ وَ دَرِ طَوَّلِ تَارِيخِ زَنْدَه نَكْهَشِ مِي دَارَنَدَ . دِسْتَه ي مَقَابِلِ هَمِ اَزِ بِيْنِ نَرَفْتِ ؛ شَمَا بِيْنِيْدِ

امسال در آستانه ی دهه ی عاشورا یکی از مدافعین حرم را سر بریدند، واقعاً تقدیر الهی را نگاه کنید ؛ همزمان بشود و نزدیک دهه ی عاشورا ، همه را به یاد اباعبدالله سرچدا بیاندازد . این دو جریان که عرض میکنم تداوم دارد ، جریان عبیدالله زیاد ، و عمر سعد را داعشی های پلید نمایندگی میکنند و آنها را هم استکبار زمان ، که آمریکا در رأس است و عوامل پایین دستشان هم در همین سرزمین وحی ، عربستان راهبری میکنند.

« فَإِذَا كَانَ يَوْمُ الْعَاشِرِ كَانَ ذَلِكَ الْيَوْمُ يَوْمَ مُصِيبَتِهِ وَ حُزْنِهِ وَ بُكَائِهِ وَ يَقُولُ هَذَا الْيَوْمُ الَّذِي قُتِلَ فِيهِ الْحُسَيْنُ » میفرمود آقا امام رضا که ، وقتی روز دهم که میرسید ، برای پدرم روز مصیبت سختی بود و روز حزن و اندوه و گریه ی شدید پدرم بود ؛ حالا مومنین بعضاً از اول محرم تا آخر محرم یا حتی تا آخر ماه صفر عزاداری را استمرار میدهند کار بدی نیست ، بلکه کار خوبی هم هست ، اما آنی که مهم است ، همین دهه ی عاشورا است که مهم تر از بقیه است . مثل خود ایام فاطمیه ، که دو احتمال است ، فاصله اش هم بیست روز است ، بعضی از جاها هم مبینید کلّ این ۲۰ روز را مراسم دارند . اما اگر نداشتند خلاف نکردند ، مهم این است که آن روز و شب وفات ، حفظ بشود و گرامی داشته بشود و بازخوانی بشود مصیبت اهل بیت . دهه ی عاشورا هم همین است . پس بنابراین ببینید ، میخواهم این را عرض کنم که این دهه از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است . اگر در طول تاریخ هم سنت شده و این دهه را بیشتر اهمیت دادیم ، ریشه اش به اینجاها برمیگردد . امیدواریم خدای رحمان از همه به لطف و کرمش قبول بفرماید .

جناب سرهنگ مرادی فرماندهی محترم نیروی انتظامی ، قبل از خطبه ها صحبتی داشتند ، تشکر میکنیم ؛ بارها و بارها عرض کردیم که مومنین و شهروندان باید همکاری داشته باشند با نیروی انتظامی و همه ی کارها را نباید حواله کنیم و اگر توقع داریم نیروی انتظامی به موقع موفق باشد ، قطعاً همکاری ما مؤثر است در توفیقات نیروی انتظامی ؛ و عزیزان نیروی انتظامی را هم یادآوری میکنیم و تذکر میدهیم که هرچند ما آدم های عادی ، و شهروندان ، در مورد برخورد با مظاهر

خلاف قانون و بزهکاری و خلافکاری مسئولیت امر به معروف و نهی از منکر را داریم ، ولی نیروهای عزیز انتظامی از آنجا که ضابتن دستگاه قضایی اند ، هم اختیارات قانونی شان بیشتر است ، و هم مسئولیتشان متقابلاً سنگین تر از بقیه است. لذا اگر تخلفات راهنمایی و رانندگی و یا تعرضات فیزیکی افراد را برخورد میکنند ، ناهنجاری ها و بدحجابی ها را هم توقع است که برخورد کنند و امیدواریم که هرچه بیشتر آثار حضور نیروی انتظامی در تأمین امنیت و حفظ ارزش های اسلامی و انقلابی را شاهد باشیم و آرزوی توفیقات برای این عزیزان داریم.

خب همین هفته ای که گذشت ، آمده بود در خبرها که مجلس شورای اسلامی کارت زردی به وزیر کشور داد . منظورشان از کارت زرد چه بود؟ جمعی از نمایندگان مجلس که البته در آن جمع نمایندگان مازندرانی نبودند ، از وزیر کشور سوال کردند یا به تعبیر دیگر بازخواست کردند که شما بر کار شوراها چرا نظارت بیشتری ندارید و گله از کارایی هیئت حل اختلاف در استان ها داشتند ؛ و وزیر کشور در پاسخ ، بخشی را به عدم وجود مقررات قانونی حواله کرد ، که تبعاً اگر واقعاً خلأ قانونی وجود دارد ، دولت میتواند لایحه بدهد به مجلس برای رفع آن خلأ یعنی باید شوراها ، خلاصه کمک کار داشته باشند ، بهترین کمکشان نماینده دولت ، فرماندار ، بخشدار ، و استاندارها هم هستند. پاسخ وزیر کشور به رأی گذاشته شد ، و ۱۱۵ نفر از نمایندگان رأی دادند که اعتراض و سوال مورد اعتنا یعنی با این رأیشان این را گفتند آن نمایندگان که : دستگاه اجرایی کم آورده در این مسأله . است اینجا خبرنگاران تعبیر کردند که مجلس به وزیر کشور کارت زرد داد .

ببینید ، من آن هفته ی اولی که عزیزان ، منتخبین ما در شورای اسلامی شهر ، دست به کار شده بودند ، من تشکر کردم از شهردار قبلی . کدام شهرداری رفته بود که ما تشکر نکرده باشیم؟! ؛ بعد هم به این عزیزان عرض کردم شما مدتی بود و فرصت داشتید و میخواستید فردی را تعیین بکنید. اگر این توانایی را در همین برادر عزیز را که سرپرست گذاشتید ببینید و قبول دارید، او را به عنوان شهردار معرفی کنید ، کمکش کنید ، ما و همه هم کمک میکنند تا بتواند پیش ببرد . و اگر احساس میکنید

که باید فرد دیگر تعیین بشود ، پس چرا معطل میکنید؟ من آن روز با این ادبیات صحبت کردم ؛ به جای اینکه پاسخ جوانمردانه دریافت کنم ، و بگویند که به این دلیل و به آن دلیل مثلاً همین تصمیم ما درست است ، و یا اینکه نه ، ما مشکل داشتیم و امیدواریم که زودتر حل کنیم ، بروند شایعاتی را پراکنند ، که امام جمعه چه منافی از کنار شهردار قبلی داشت . ؛ ببینید ، من به شما میگویم که شهرداران و شوراهای شهر ، وظیفه دارند تشکیلات نمازجمعه را کمک کنند ؛ اما کمک به امام جمعه دروغ محض است ؛ خود آقای صالح زاده زمانی که شهردار بود ، زیرسازی و سنگ کردن همین محوطه ی مصلی را ایشان انجام دادند . نیروی خدماتی و نظافتی دادن به مصلی ، یکی از وظایف اصلی شهرداری و شورای شهر است . اگر منظورشان اینجور خدمت است ، از این شورا و این سرپرست و هر کسی باشد میخواهیم و باید این قبیل کارها را انجام دهد. اما اگر کسی این تصور را کرد که آقای رحیمی منفعت شخصی برای بنده ی معلمی داشت ، هرکسی باشد گناه کرد ، و اگر واقعاً به روز جزا اعتقاد دارد برود توبه کند . من هفتاد و چهار پنج سالم است ، ایشان جای نوه ی من هستند ، عذر میخواهم ، جسارت نباشد ؛ من خودم را به ایشان و یا مشابه ایشان بفروشم؟ ؛ ناچارم به گفتن . واقعاً گاهی آدم در نهج البلاغه مبیند امیرالمومنین یک چیزهایی از خودش میگوید ، و اول آدم تصور میکند که عظمت مقام علی اقتضا نمیکرد به گفتن این حرف ها ، ولی وقتی که شرایط جامعه ی آن روز را مبیند آدم ، مبیند علی درد داشت و ناچار از خودش حرف میزد. مومنین ، دوستان ، قبل از پیروزی انقلاب ، بنده ی طلبه در زندگی شخصی خودم ، ماشین سواری خارجی داشتم و سوار میشدم . انقلاب واقعاً منافع مادی من را کم کرد . اما بر اساس علاقه ای که به انقلاب و امام داشتم ، منافع مادی ارزشی ندارد . انسان باید هدفمند باشد و هدف خود را تعقیب بکند . ببینید ، عملاً آن حرفی که من آن روز زدم ؛ که آن پل را شما نگاه کنید الان آنجا را کد مانده در میدان جانبازان ؛ حالا این آقای قبلی وعده میداد ، سحر سخن داشت و هرچه که بود ، داشت پیش میبرد و نساجی هم الان خدای نکرده ممکن است یک فاجعه ای را در پیش داشته باشد ، برای خاطر اینکه حقیقتاً همه مان ، اقلان من که اینجور بودم و تعجب میکردم که این آدم واقعاً با چه دل و جگر و جرأت و

چه جرزه ای چکار میخواهد بکند و چگونه میخواهد پیش برد و تدبیر بکند . با دست خالی رفته بود معامله کرد ، و میگفت این سرمایه برای این شهر بماند ؛ میگفت من که برای خودم و خانواده ام که نمیخواهم بخرم ، برای شهرداری قائم شهر میخرم تا برای این شهر بماند . خب داشت پیش میرد ، و یک ماه حقوق عقب مانده بود ، ولی الان اگر بپرسی میبینی که آن یک ماه بیشتر شده و دوماه یا کمتر از دوماه شده؛ پل هم داشت کار میشد ، حالا یا نسیه کار میشد یا غیر نسیه ؛ اما الان متوقف است . حالا شنیده شد و گفته شد که بعضی ها موقع انتخابات آمدند آنجا وعده دادند که اگر به ما رأی بدهید ما پل را خراب میکنیم . من که در تصمیم پل دخالت نداشتم ، اما بدانید مومنین که چقدر من را اذیت کردند . افراد از آنجا می آمدند میگفتند که : آقا اگر شما نباشید اینها میخواهند پل را خراب بکنند ؛ شما چرا مانع میشوید؟ ؛ اصلاً پُل به من چه ربطی دارد؟ پل شورای ترافیک داشت ؛ الان فرماندار محترم حضور دارند ؛ فرماندار آن روز ایستاد آنجا صریحاً و رسماً فرمود که تصمیم نظام است ، تصمیم حکومت است؛ یعنی یک مجموعه ای که مربوط و ذیربط بودند نشستند تصمیم گرفتند که پل احداث بشود. حالا اگر اشتباه کردند مال آنهاست ، و اگر درست هم فکر کردند مال آنهاست و ربطی به امام جمعه ندارد ؛ اما همین که دعوت کردند و ما به احترام دعوت رفتیم آنجا ، بعد دیگری بگوید که آری ، فلانی مانع است که نمیگذارد پل خراب بشود .

در هر صورت بینی و بین الله ، چه اعضای شورای فعلی ، چه اعضای شورای قبلی فرقی نمیکند برای ما ، چرا که مردم رأی دادند و ایشان شدند نماینده ما و ما هم باید کمکشان کنیم ؛ سر دعوایی نداشتیم با آنها ؛ ولی همین که تذکری دادیم و گفتیم که شما عجله کردید که زود تصمیم گرفتید ، و باید قدری تأنی میکردید یا واقعاً فردی را انتخاب میکردید و بعد اعلام میکردید ، عصبانی شدند و زمینه ی یک شایعاتی را اینچنینی فراهم کردند که امام جمعه چه منافع داشت . خیر ، دروغ است و امام جمعه هیچ منفعی نداشت ، و هر منفعی را که تشکیلات نماز جمعه از شهرداری داشت را بازهم طلبکار است و هرکسی هم شهردار باشد و یا شورا باشد ، باید این وظیفه را عمل بکنند ، چون که مطالبه ی مردم و حق مردم است . برای یک پارک چقدر هزینه میکنند ؟ حالا مسائلی که در آن

پارک ها میگذرد دون شأن تریبون نماز جمعه است که اینجا بیان کنم. در هر صورت مصلی جمعه هم یک پارک جمعه برای مومنین و شهروندان محسوب میشود.

مسئله ای که این ایام ، داعش رو به مرگ است و دارد دست و پا میزند ؛ ولی اربابان داعش که از داعش دارند مأیوس میشوند ، رفتند دنبال سوژه ی دیگر ؛ تجزیه ی کردستان ، یک فتنه ی جدید دیگر ؛ نه تنها یک فتنه ی منطقه ای ؛ بلکه یک اسرائیل دیگری در قلب بلاد اسلامی کاشتن ؛ در ظاهر قضیه الان اسرائیل دارد کمک میکند ، اما پشت قضیه آمریکایی ها ایستادند . امروز روز دامپزشکی است ، و باید به سلامت دام اهمیت بدهیم ؛ دام سالم شیر سالم میدهد و گوشت سالم میدهد . مسائل مربوط به دامپزشکی را آنهایی که دام دارند ، اهمیت بدهند.

و همچنین سالروز مراسم قالیشویان در مشهد اردهال؛ آنجا امامزاده سلطان علی فرزند امام باقر ، دومین جمعه از ماه مهر در هر سال مراسم قالیشویان دارند .

همچنین فردا روز روستا و عشایر که امام توجه جدی داشت به مردم زحمتکش و روستا نشینان و می فرمود : اگر نبود همت این محرومان و همت این روستاییان و همت این جنوب شهرها ، نه رژیم سابق ظلمش از بین رفته بود و نه ما در مقابل مشکلات میتوانستیم مقاومت کنیم . آبادانی شهر از آبادی روستا است ، و اگر روستا آباد باشد شهر آباد میشود .

یکشنبه سالروز مباران شیمیایی سومار است و همچنین سالروز شهادت سرتیپ پاسدار حسین همدانی از مدافعان حرم .

دوشنبه روز جهانی پُست است و روز تنفیذ اولین دوره ی ریاست جمهوری مقام معظم رهبری در سال ۱۳۶۰ . امام در مراسم تنفیذ نسبت به مقام معظم رهبری یک جمله ای داشت . فرمود : «شما اگر گمان میکنید که در تمام دنیا یک نفر را مثل آقای خامنه ای پیدا بکنید که متعهد به اسلام باشد و خدمتگزار و به این ملت خدمت کند پیدا نمیکنید. »

ببینید ، امام نعوذبالله نه اهل مبالغه بود و نه اهل اضافه گویی . حقیقتاً عبد صالح خدا بود . الآن هم همین است . در کجای دنیا ، کدام کشور، رهبری به صداقت ، به هدفمند بودن ، هدف الهی ایمانی داشتن ، و پاکي رهبر معظم انقلاب میرسد؟ ؛ خدایا این نعمت را بر ما مستدام بدار .

پنجشنبه روز بزرگداشت حافظ و روز ملی کاهش اثرات بلایای طبیعی و روز اسکان معلولان و سالمندان است . امیداوریم که جامعه و مسئولین ما نسبت به این اقشار نیازمند به حمایت، توجه بیشتری داشته باشند .

)))))))))))))))))) (به تبع هر هفته خطبه های نماز جمعه قائم شهر مزین به اسامی شهدای شهرستان است که هفته ی پیش رو سالگرد شهادت آنها بوده است)))))))))))))))) نثار ارواح این عزیزان صلوات .

{ } بسم الله الرحمن الرحيم ؛ والعصر / ان الانسان لفي خسر / الا الذين ءامنوا و عملوا الصالحات / و
تواصوا بالحق و تواصوا بالصبر ؛ صدق الله العلي العظيم { }

پایان خطبه دوم //

